



حجة الاسلام والمسلمین  
ظاهری خرم آبادی  
نماینده امام در سپاه پاسداران

# جهاد و جهاد

## عوامل پیروزی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### عوامل مادی

عوامل و شرایط پیروزی به دو نوع مادی و معنوی تقسیم میشود. عوامل مادی نیرو-های رزمی و نظامی است که با تکامل بشر در تکنیک و صنعت تکامل یافته و در هر زمان نوع خاصی از آن بکار میرود. وبهمین دلیل نیروهای مادی دچار دگرگونی و تغییر است. قرآن نیز بر نوع خاصی از آن تکیه نمی‌کند بلکه تأکید بر آماده نمودن نیرو و قوه دارد تا بر نیروی رزمی مورد استفاده در هر زمان تطبیق نماید.

در این مورد میفرماید:

"وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ"

"مِنْ رِبَاطٍ وَالْخَيْلِ" (سوره انفال آیه ۶۰)  
تا آن حد که بتوانید از نیرو ( و اموات جنگی ) و اسبان سواری برای ( مبارزه ) با آنان ( دشمنان ) فراهم سازید .  
نکته قابل توجه در این آیه این است که به کاربردن آخرین توان و قدرت را در تهیه نیرو لازم شمرده است . بنا بر این آمادگی نظامی و تهیه ابزار و وسائل رزمی برای مقابله با دشمن بر همه مسلمین واجب و ضروری است ، و لذا خطاب در این آیه متوجه مردم است گرچه در آیات قبل و بعد از این آیه ، خطاب به پیغمبر شده است . شاید سر مطلب این باشد که بر هر فردی

رزم است برای دفاع از خود و دیگران تهیه نیرو نماید اگر چه با فراگرفتن فنون نظامی و آموزشهای رزمی باشد .

سپس می فرماید :

" تَرَاهِبُونَ بِعَدُوِّ اللَّهِ وَعَدُوِّكُمْ وَ"  
" آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لِاتَّعْلَمُونَهُمْ "  
" اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ "

این آمادگی رزمی و تهیه ابزار جنگ برای این است که دشمنان خدا و خود را با آن بترسانید و همچنین دشمنانی که شما از آنها آگاهی ندارید ولی خدا به آنان آگاه است .

این جمله مفهوش این است که تهیه

نیرو تنها برای نبرد با دشمنان شناخته شده‌ای که در حال جنگ با شما هستند کافی نیست، بلکه باید همیشه آمادگی رزمی و نظامی داشته باشید تا هم دشمنان آشکار حاضر در صحنه را با آن بترسانید و هم دشمنانی که ممکن است پس از این در صحنه نبرد قرار گیرند و فعلا دوست نما و منافق هستند و با آهنگ نبرد ننموده‌اند ولی در آینده ممکن است با آنان درگیر شوید.

در هر حال باید پیش بینی‌های لازم را برای دفاع و جهاد بنمایند و آمادگی رزمی در هر زمانی برای مقابله با دشمن ضروری است.

در ادامه آیه می‌فرماید:

"وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ"

آنچه را که در راه خدا انفاق نمائید نتیجه‌اش و ثمره‌اش به خود شما برمی‌گردد

دفاع و جهاد - از دو نظر - نتیجه عمل به انسان برمی‌گردد: مادی و معنوی.

از جهت معنوی بسیار روشن است زیرا کمالات و آثار برای نفس انسانی در پرتو فداکاری و جهاد در راه خدا پدید می‌آید و همچنین نتایج بصورت نعمتهای الهی و بهشت جاودان در عالم پس از مرگ جلوه‌گر می‌شود و به فرموده امیرالمؤمنین (ع):

"إِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ"

"فَتْحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ"

جهاد دری از درهای بهشت است که به روی دوستان مخصوص خدا باز میشود.

اینها همه آثار معنوی و نفسانی است که به شخص مجاهد باز می‌گردد.

"وَمَنْ جَاهَدْنَا نَجَاهِدْ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ" (عنکبوت آیه ۵)

کسی که جهاد می‌کند همانا برای خود (و به نفع خود) جهاد می‌نماید و خداوند از همه عالم بی‌نیاز است.

منظور از آیه این است که نتیجه جهاد به خود انسان باز می‌گردد و این انسان مجاهد است که از منافع عملش بهره‌مند میشود.

و اما نتیجه مادی جهاد را اگر بررسی

نیرو تهیه نماید، خود این انسان - از نتیجه انفاق و عملش - در همین عالم بهره‌مند میشود زیرا خود او فردی از جامعه و امتی است که برای حفظ و بقا آن کوشیده است. و اگر جان خود را در این راه فدا نمود باز از زندگی جاوید با آثار عجیبی که آن حیات دارا است برخوردار شده و در هر صورت هیچ ضرر و زبانی ندیده است و مورد ستم قرار نگرفته است. و این است معنای کلام خدا:

"وَمَا تَنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ"

- توفیه الشیء بذله وافیاً -

توفیه: یعنی بذل نمودن چیزی را بطور تمام و کمال. پس معنی جمله این است که هر چیزی را در راه خدا انفاق نمائید، خود آن چیز بطور تمام و کمال به خود شما داده میشود و به شما ظلم نمیشود. یعنی اگر مالی را در راه خدا انفاق کردی از نتایج و عوایدش در این عالم بهره‌مند میشوی و در آن عالم نیز از حقیقت و واقعیت جاودانی آن که بصورت دیگر تجسم مییابد برخوردار خواهی شد. و اگر جان خویش را در راه خدا دادی، جانی قوی‌تر و نیرومندتر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## نتیجه جهاد به خود انسان باز می‌گردد و این انسان مجاهد است که از منافع عملش بهره‌مند میشود.

و به شما ظلم نمیشود.

در این جمله به یک مسئله اساسی اشاره شده است و آن اینکه هر عمل و قدمی که در راه خدا برداشته شود محو و نابود نمیشود بلکه باقی و جاوید است و به خود انسان بازگشت می‌کند.

"مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ"

آنچه نزد شما است تمام میشود و آنچه نزد خداوند است باقی است. و در مورد

و با ارزشهای والاتری می‌بایست.

### عوامل معنوی

در آیات قرآن به پاره‌ای از عوامل و شرایط اشاره شده است که از سنخ ابزار و اسباب مادی نیستند بلکه برخوردار از یک سلسله ویژگیها و صفات روحی و اخلاقی محسوب میشوند که از جمله آنها امور زیر است:

کنیم. می‌بینیم در جامعه‌ای که دفاع و جهاد وجود دارد و امتی که در راه ایده و عقیده‌اش و حفظ کبان و شخصیت اجتماعیش از بذل جان و مال دریغ نمیکند، آن امت و آن جامعه زنده و پایدار و دارای شخصیت و استقلال مادی و معنوی است.

بنا بر این اگر کسی در راه خدا مال یا وقت یا نیرو و هر چیز دیگر را انفاق کند و برای دفاع و از بین بردن دشمن، قدرت و

- ۱- ثبات و استقامت در برابر دشمن و فرار نکردن از میدان جنگ.
- ۲- یاد خدا.
- ۳- اطاعت از خدا و رسول و اهتمام به مسئله فرماندهی در دستورات رزمی
- ۴- اتحاد و همبستگی.

آیهای که همه این امور در آن بیان شده است آیه ۴۲ و ۴۵ سوره انفال است:

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ "

" وَأَطِيعُوا اللَّهَ وِرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا "

" إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ "

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه با گروهی از دشمن مواجه شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید تا اینکه پیروز شوید. و همه‌پیرو فرمان خدا و رسول او باشید و هرگز با هم نزاع و اختلاف نداشته باشید زیرا در اثر تفرقه شکست می‌خورید و قدرت شما نابود خواهد شد، بلکه بردبار و صبور باشید که همانا خدا با صابرين است

### ثبات و استقامت

منظور از ثبات - در آیه - که امر به آن شده است فرار نکردن از دشمن است، یعنی هنگامی که با گروهی و دسته‌ای از دشمنان روبرو می‌شوید، ثابت و پایداری در برابر آنان بمانید.

در همین زمینه در آیه ۱۶ سوره انفال می‌فرماید:

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الْكُفْرَانَ كَفُرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ وَاذْكُرُوا اللَّهَ يَوْمَ يَأْتِيكُمُ الْيَوْمَ لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ وَاذْكُرُوا اللَّهَ يَوْمَ يَأْتِيكُمُ الْيَوْمَ لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ وَاذْكُرُوا اللَّهَ يَوْمَ يَأْتِيكُمُ الْيَوْمَ لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا تُوَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ "

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه با کفار از نزدیک روبرو شدید، به آنان پشت نکنید. و هر کس در چنین روزی پشت به دشمن نماید به طرف غضب الهی روی آورده و جایگاهش جهنم است که بدترین

منزل خواهد بود، مگر آنها که برای بهتر جنگ کردن و تغییر سنگر دادن یا به‌دسته دیگری پیوستن جای خود را عوض می‌کنند.

لغات آیه:

زَحْفًا: گفته‌اند زحف به معنای نزدیک بودن است. " قَالَ فِي الْمَجْمَعِ، الزحف: الدُّنُو قَلِيلًا قَلِيلًا " زحف کم‌کم نزدیک شدن است. و همچنین به معنای جمعیت فشرده و زیادی که ناگهان حمله ور میشوند معنی شده است.

ادبار: جمع دبر است به معنی پشت. متحرفا: تحرف آن است که جنگجو جاها شود یعنی سنگری که در آن قرار دارد کم‌کم‌ها کند و سنگر تازه‌ای انتخاب نماید تا امکان بهتر جنگیدن داشته‌باشد و تسلط بیشتری بدست آورد.

التحيز: تحيز گرفتن مکان است و منظور این است که رزمنده از حالت انفرادی و تک‌روی درآید و به جمعیت بپیوندد و با آنها بطور جمع به جنگ بپردازد.

الابواء: به معنی رجوع است. و منظور از " باء بغضب " آن است که برمی‌گردد در حالی که غضب خداوند را بهمراه دارد.

بنا بر این معنی دو آیه این میشود که در برخورد با دشمن و نزدیک شدن به آنها فرار نکنید و به آنان پشت ننمائید و کسی که در چنین شرایطی از دشمن فرار نماید، بازگشته است در حالی که غضب خداوند با خود دارد و جایگاه او جهنم است و بعد بازگشتنی است، مگر آنکه فرار وجدا شدن او برای انتخاب مکان بهتر و با پیوستن به جمعیتی دیگر از لشکر باشد.

و به تعبیر دیگر اگر عقب نشینی تاکتیکی باشد مانعی ندارد ولی اگر بخاطر ترس و فرار از مرگ و شهادت باشد با غضب خداوند همراه شده است.

در این دو آیه در عین حالی که فرار و عقب نشینی را به شدت تقبیح نموده است عقب نشینی‌هایی که برای بهتر جنگیدن و بکار بردن تاکتیک‌های نظامی انجام میگردد تجویز نموده است. و با استناد بهمین آیه فرار از صحنه نبرد یکی از گناهان کبیره شمرده شده است و باید توجه داشت که آیه اختصاص به جنگهای صدر اسلام ندارد بلکه عمومیت و کلیت دارد و هر زمانی را شامل است.

از ائمه (ع) نیز روایات زیادی در همین



مورد رسیده است که فرار از زحف ، یکی از معاصی کبیره است . از جمله روایتی است در کافی از امیرالمؤمنین (ع) که فرمود :

"إِنَّ الرُّعْبَ وَالْخَوْفَ مِنْ جِهَادِ الْمُسْتَحِقِّ لِلْجِهَادِ وَالْمُتَوَازِينَ عَلَى السَّلَالِ ضَلَالٌ فِي الدِّينِ وَسَلْبٌ لِلدُّنْيَا مَعَ الدَّلِّ وَالصَّفَارِ وَفِيهِ اسْتِجَابُ النَّارِ بِالْفِرَارِ مِنَ الرَّحْلِ عِنْدَ حَضْرَةِ الْقِتَالِ . يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ : يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقَيْتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُؤَلُّوهُمْ إِلَّا ذُبَارًا ."

همانا هراس و خوف از جهاد و مبارزه با کسانی که می بایست با آنان مبارزه کرد و آنان که بر کمراهی سازمان تشکیل داده اند ، خود یک نوع کمراهی در دین و از دست دادن

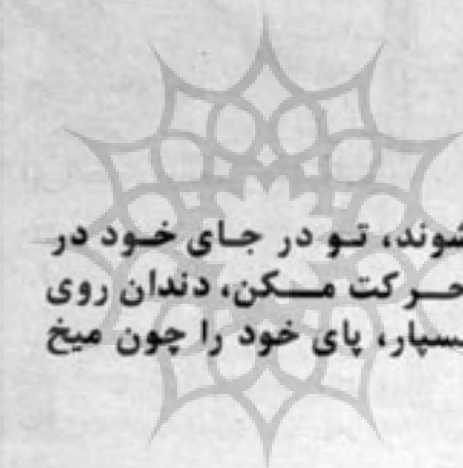
امیرالمؤمنین علی (ع):

کوهها اگر از جای کنده شوند، تو در جای خود در هنگامه نبرد پایدار باش و حرکت مکن، دندان روی دندان بگذار، سرت را به خدا بسپار، پای خود را چون میخ در زمین بکوب.

فرار کردن خشم و غضب خدا است و ذلت و عار ابدی و فرار کننده چیزی بر عمرش افزوده نمیشود و این فرار مانع و حاجزی بین او و روز او یعنی روز مرگ و اجل او نمی گردد .

و در خطبه ۱۱ نهج البلاغه در کلامی که حضرت محمد بن حنفیه را در روز جنگ جمل مخاطب قرار میدهد آنگاه که برجم را به او واگزار مینماید ، چنین می فرماید :

"تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُولُ . عَنَّ عَلِيٍّ" "نَا جِدَّكَ . أَعْرَأَ اللَّهُ جُمُوعَكَ بِنَفْسِي" "الْأَرْضُ قَدَمُكَ . إِرْمِ بِبَصْرِكَ أَقْصَى" "الْقَوْمَ وَ عَنَّ بَصْرِكَ وَ اعْلَمْ أَنَّ" "التَّصَرُّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ"



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کوهها اگر از جای کنده شوند، تو در جای خود در هنگامه نبرد پایدار باش و حرکت مکن . دندان روی دندان بگذار . سرت را به خدا بسپار . پای خود را چون میخ در زمین بکوب . چشم بینداز تا انتهای لشکر را ببینی و بدان که نصرت و یاری از نزد خدای سبحان است .

در این جملات حضرت علی (ع) عالی ترین تعابیر را در بیان استقامت و پایداری بیان فرموده است و مخصوصا جمله :

"سرت را به خدا بسپار"

که بهترین رهنمودی است برای استقامت و پایداری . ادامه دارد .

دنیا همراه با ذلت و پستی است ، و در این کار عذاب الهی واجب می گردد برای آنان که در جنگ از دشمن فرار کنند . خداوند میفرماید : " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . . . " و در خطبه ۱۲۴ نهج البلاغه چنین می فرماید :

"وَ آيَةُ اللَّهِ لِيَنْ فِرْتُمْ مِنْ سَيْفٍ" "الْعَاجِلَةَ لِاتَّسَلُّوا مِنْ سَيْفِ الْأَجْرَةِ" "إِنَّ فِي الْفِرَارِ مُوجِدَةَ اللَّهِ وَ الدَّلَّ" "اللَّازِمَ وَ الْعَارَ الْبَاقِي وَ أَنَّ الْفَارَّ" "لَغَيْرِ مَزِيدٍ فِي عُمُرِهِ وَ لَا مَحْجُوزٍ" "بَيْنَهُ وَ بَيْنَ يَوْمِهِ"

قسم به خدا اگر از شمشیردنیافرارکنید ، از شمشیر آخرت سالم نمی مانید ، و همانا در

## دنیاله: اقتصاد اسلامی

اسلام و به شرف امور جنگی و نظامی انفاق می کنند فضیلت و ثواب بیشتری را بدست می آورند .

۵- بهوش باشید که انفاق و خرج کردن مال خود را هرگز با منت گذاشتن و خود ستایی بی اجر و باطل نسازید و هیچگاه مال خود را از روی ربا و خودنمایی خرج نکنید .

۶- از فرصت ها و امکاناتی که در زمینه خرج کردن مال در راه اصلاح جامعه و رفع کمبودها دارید استفاده کنید و قبل از فرا رسیدن مرگ و از دست رفتن فرصت ها در این راهها گام بردارید که این فرصت ها همیشه نیست .

و بالاخره این کتاب آسمانی در ۱۰ مورد از جهاد بوسیله مال سخن گفته است و با تأکید هر چه بیشتر آنرا یکی از مراتب مهم جهاد در راه خدا و یکی از وظایف مهم انسانها و موجب فضیلت و پاداش الهی قلمداد کرده است .

بالتر از همه اینها قرآن کریم اسبق و سیمتری را در دیدگاه صاحبان مال و ثروت می گذاید و آنرا به "ایثار" دعوت میکند و به آنها در پرتو ایمان به خداوند بزرگو پادشاهی مهم معنوی آنقدر وسعت نظرو کرامت طبع میدهد که با اینکه خودشان احتیاج شدید به مال و ثروت خود دارند احتیاجات جامعه را بر احتیاجات خودشان مقدم بدانند و برای رفع مشکلات مردم واز بین بردن فقر و نیازمندیهای آنها با شور و شوق مخصوصی که تنها از ایمان بخداوند سرچشمه می گیرد ایثار کنند و به ثرون علی انفسهم ولو كان بهم خصاصة را تحقق می بخشند .

این بود قسمت مختصری از تفاوتهاشی که میان "اقتصاد اسلامی" و اقتصاد سرمایه داری موجود است .

اینک بقیه بحث را برای شماره بعد بغض و توفیق الهی موکول مینمائیم .